

شرونیسی فارسی در کشمیر (از ۷۴۷ تا ۱۳۰۰ ه.ق)

صابر آفاقی

دانشیار دانشکده دولتی مظفرآباد - کشمیر آزاد

نخستین کسی که بمنظور تبلیغ و اشاعه اسلام باجمعی از مریدانش وارد کشمیر شد سید شرف‌الدین عبدالرحمن بلبل شاه ترکستانی است که در سال ۷۲۵ ه. پا بخاک کشمیر نهاد و از اثر اعمال و اخلاق او رنجنا که راجای کشمیر بوده بنور اسلام منور گردید و بآئین صدرالدین ملتب گشت. اسلام در کشمیر از همان روز اول توسط فارسی تبلیغ شد و باین ترتیب هم عقیده انقلابی اسلام و هم زبان شیرین فارسی بیك وقت وارد خطه کشمیر شدند و تقریباً بیست و سه سال بعد شخصی بنام شاهمیر که بنیان‌گزار سلسله شاهمیری در کشمیر میباشد در ۷۴۳ ه. قدرت و اقتدار را بدست گرفت. سلاطین شاهمیری در توسعه اسلام و بسط و گسترش زبان و تمدن فارسی در کشمیر سهم بزرگی داشته‌اند. شاهمیرها مجموعاً صد و شانزده سال در کشمیر حکم رانده‌اند. در زمان سلطان قطب‌الدین امیر کبیر سیدعلی همدانی با هفتصد تن از علما و صوفیه و رجال بزرگ ایران بکشمیر آمد. او بزرگترین مصنف هم میباشد که تقریباً هفتاد مجلد کتاب در عربی و فارسی در کشمیر تألیف نموده است و بیم آن می‌رود که اگر راجع به این یگانه روزگار بحث کنیم از هدف اصلی خودمان دور می‌افتیم چون کسانی هستند که از خارج بکشمیر آمدند و آثار زیادی در فارسی یادگار از خود گذاشته‌اند و همچنین کسانی هم میباشند که از بومیان کشمیر خارج رفتند و در آسمان علم و ادب مانند آفتاب درخشیدند و این هر دو گروه از موضوع مقاله ما خارج‌اند لذا ما تنها به بومیان و ساکنان کشمیر می‌پردازیم و نیز لازم بنظر است که چون راجع به تواریخ فارسی که در کشمیر تألیف گشته مقاله‌ای بطور جداگانه نوشتیم و بنوبت خود بچاپ خواهد رسید. درین مقاله کتب تاریخ فارسی را نیز نیاورده‌ایم.

دوره زرین تاریخ کشمیر همان دوره سلطان زین‌العابدین شاه معروف به شاه کبیر (۷۷۵ ه. تا ۸۳۳ ه) محسوب میشود. سلطان مزبور شیدای علوم و هنر و پشتیبان قوی پشت علماء و شعرا و نویسندگان بوده است. او در نوشهره (سرینگار) کتابخانه بزرگی ایجاد کرد که شامل همه نوع کتب عربی و فارسی و حتی سانسکریت بوده است. دارالترجمه‌ای نیز تأسیس کرد و تشویق نمود تا کتب سانسکریت را بفارسی و برعکس ترجمه کنند. این سلطان نام‌آور ملاکبیر کشمیری را که آنوقت در هرات بوده طلبید و به ریاست مدرسه‌ای که تازه تشکیل شده بود منصوب کرد. ملاکبیر تفسیر قرآن و شرحی بر کتاب جامی نگاشت. این مدرسه خیلی مرتب و وسیله تدریس زبان فارسی بوده است. یکی از اعضای دارالترجمه ملا احمد کشمیری نوه احمد علامه که مصنف فتاوی شهابی است مه‌بهاراتا را بفارسی برگرداند. ملای مزبور ملک‌الشعرا دربار زین‌العابدین بوده است. او «کناسرت ساگر» را نیز بعنوان بحر الاسمار بفارسی ترجمه کرد. اصل کتاب در میان ۸۲-۱۰۶۳ ه. در سانسکریت مرقوم گردید و محمف آن سومادیوا کشمیری است.

این کتاب در هجده باب نوشته شده است^۱، بنا بر نوشته بعضی مورخان زین العابدین با شاهرخ میرزا پسر تیمور و ابوسعید میرزا روابط دوستانه داشته است و شاید شاهرخ میرزا متدار زیادی از کتب فارسی برای مدرسه او ارسال داشته است. توسط طبیب و استاد مدرسه طبیه که دانشمندی بوده بنام محمد بن احمد بن یوسف «کفایه مجتهدیه» تألیف گردید. اسم دیگر این کتاب کفایه منصوره میباشد که تا سالیان دراز در مدارس طبیه در شبه قاره جزو کتب درسی بود. سلطان خودش نیز کتابی درباره بی ثباتی دنیا و بی مهری دوستان نوشته که «شکایات» نام دارد. طبق نوشته دکتر نیکو سلطان در فن تفنگ سازی هم کتابی تألیف کرده است. میگویند که ملا احمد راج نرنگینی را که کتاب تاریخی کشمیر باستان است و توسط پانندت کلهن در سال ۱۵۴۴ ه. ق در سانسکریت نگاشته شد بفارسی ترجمه کرده است. متأسفانه این ترجمه در دست نیست. بابا میراویسی بیتهی یکی از صوفیان کشمیر بوده است. پسرش سید حسین کشمیری دانشمند بنام این عهد بوده است. سید حسین کشمیری از برجسته ترین نویسندگان عصر زین العابدین شاه بوده است. حسین مرید خواجه باقی بالله دهلوی بود. مزار پر انوارش در کشمیر است.

بعضی از رساله های حسین را نام می بریم :

۱- رساله ای مجهول الاسم در تصوف است. ۲- رساله ای دیگر دارد در طریقه خواجگان نقشبندیه موسوم به هدایته الاعمی. ۳- رساله ای در ضبط اوقات. ۴- منازل الاولیاء. ۵- مرآة الکاملین. ۶- کفایته الاعتقاد. هدایته الاعمی درباره مسایل اسلام است و توضیحاتی راجع به وحدت، ایمان، معرفت، شریعت، طریقت، حقیقت، کرامت، وجد و سماع و بدعت درین کتاب داده شده است. در دیباچه مینویسد :

بدان ای طالب حق و سالک راه مطلق که می گوید فقیر حقیر ساکن شهر کشمیر . . .

درین رساله که نام این هدایته الاعمی کرده شد چرا عملی که در تیه خلالت و الحاد و بدعت گرفتار است و راه گم کرده است، خواننده و شنونده را راه نماید^۲ و درین کتاب هجده باب نوشته است بشرح ذیل :

- باب اول - در بیان آنکه از اجمال تفصیل ظاهر میشود.
- باب دوم - در بیان جامعیت انسان که جامع است از همه اشیاء.
- باب سوم - در بیان ایمان و حقیقت ایمان.
- باب چهارم - در بیان معرفت حق و اهل ایمان.
- باب پنجم - در بیان شریعت و طریقت - سنن - نوافل - اوراد - ادعیه.
- باب ششم - در بیان شریعت و طریقت که از وجه نفی و اثبات باشد.
- باب هفتم - در بیان شریعت و طریقت که از وجه فنا و بقا باشد.
- باب هشتم - در بیان ولایت و نبوت.
- باب نهم - در بیان کرامت، کهنات، استدراج، جنونیت و غیره.
- باب دهم - در بیان علم و حقیقت آن.
- باب یازدهم - در بیان توکل.
- باب دوازدهم - در بیان وجد و سماع.

۱ - میراث فرهنگی کشمیر (انگلیسی) ص ۸۶
 ۲ - فارسی ادب کی تاریخ عبدالقادر سروری ص ۶۹

- باب سیزدهم - در بیان مزامیر و آواز خوش شنیدن .
- باب چهاردهم - در بیان حسن و بدن و امر و حقیقت .
- باب پانزدهم - در بیان باغ و دیدن آن .
- باب شانزدهم - در بیان عبادت خدای تعالی .
- باب هفدهم - در بیان مذهب و بدعت .

باب هجدهم - در بیان شرف شریعت و متابعت حضرت رسالت پناه صلعم .

رساله ضبط اوقات بدین رباعی شروع میشود :

گفتار خوش از حسین کشمیر شنو آثار هدایت است تفسیر شنو
شرح این هشت شرایط بکنم ای طالب رو هشت شرائط ز من ای میر شنو

و سپس شرح هشت شرایط داده است ، که چنین است :

- شرط اول - هوش در دم . شرط دوم - نظر بر قدم . شرط سوم - سفر در وطن .
- شرط چهارم - خلوت در انجمن . شرط پنجم - بازگشت . شرط ششم - و بازگشت .
- شرط هفتم - نگاهداشت . شرط هشتم - یادداشت .

نسخه خطی که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران تحت شماره ۶۶۲ ضبط است و نویسنده از این استفاده کرده است بعنوان رساله منازل المسافین با شرائط هشت گانه درج شده و یقین است که شرائط هشت گانه همان رساله ضبط اوقات است و رساله منازل المسافین نیز اسم همان رساله منازل الاولیاء هست در کاتالوگها از آن ذکر شده است . خاتمه این رساله چنین است : «وقوف زمانی ، وقوف عددی ، وقوف قلبی . وقوف زمانی آنست که از غفلت و نسیان زمان گذشته تقصیر و ندامت پیشه خود سازد . وقوف عددی آنست که در حالت خود عدد کند که ترقی حالات میشود یا نه ، اگر میشود تشکر و سپاس مرخدای را عزوجل گوید . دلگیر نشود . و ماتم (نه) گیرد . وقوف قلبی آنست که در تزکیه نفس و تصفیه دل و تخلیه روح هر روز زیاده کوشد و الله اعلم بالصواب»^۳ از عبارتی که ما نقل کردیم برمیآید که این همان رساله منازل الاولیاء (یا مسافین) است چون ذکر از وقوف (منزل) شده است .

بعد از خانواده شاهمیر خاندان چکها (از ۹۶۱ تا ۹۹۴) ۳۲ سال حکومت کردند . این دوره ازین لحاظ قابل توجه و مهم است که در آن دوره شیعیت مذهب رسمی کشمیر گردید و زبان فارسی بیشتر رسوخ پیدا کرد و حکم فرمایان کشمیر درین عهد لقب شاه را بر خود گذاشتند .

حضرت مخدوم شیخ حمزه (متوفی ۹۸۹ هـ) در اواخر عهد سلاطین شاهمیری در کشمیر متولد شد او از خانواده رینه بوده است . شیخ حمزه در ردیف اول صوفیان کشمیر امثال امیر کبیر و نورالدین ولی بشمار میرود . او مریدان زیادی داشته است و در نشر اسلام و معارف اسلامی ، کشمیر مدیون مجهودات صوفی مزبور بوده و هست . شیخ حمزه مریدانی را مانند بابا داود خاکی تربیت کرد . صوفیان و نویسندگان بعدی تقریباً همه شان چه از لحاظ عقاید صوفیه و چه از نظر روش فکری تحت تأثیر همین عارف بزرگ کشمیر قرار گرفته اند . بابا داود خاکی از خاندان گنائی بود و در سال ۹۲۸ متولد شد . رساله ضروریه و مجموعه الفوائد از تصانیف خاکی محسوب میشود . خاکی در ۹۹۴ زندگی را بدرود گفت . او شاعر و سیاستمدار هم بوده .

شیخ محمد یعقوب صرفی در ۹۲۹ در خاندان گنائی در سرینگار متولد شد . در شاعری شاگرد ملاآنی بود که او شاگرد ملاجامی بوده است . درس حدیث از ابن حجر مکی گرفته و خلیفه شیخ حسین خوارزمی بوده است . شیخ احمد سرهندی که بنام مجدد الف ثانی معروف گردیده از صرفی درس حدیث خوانده است . صرفی مسافرتها طولانی از جمله ترکستان ، کابل ، خوارزم ، عربستان سعودی ، مشهد و غیره کرده است . در عربی و تازی کتابهای زیادی تألیف نمود و دیوان کلیات هم دارد . او کتابی نوشته در فارسی بنام روایح و همان سبک و روش جامی را

دنبال کرده است. اول مطلب را به نثر فارسی نوشته و سپس همان مطلب را در رباعی گفته است. در کتاب مزبور موضوعاتی از قبیل عالم اجسام، عالم امثال، عالم ارواح، روان‌شناسی، ایمان، تجلیات، فنا، بقا، نیابت الهی، نبوت و از تقای روحانی بحث شده روش او خیلی عالمانه و ادیبانه می‌باشد و فارسی نثر آمیخته بعبری است. اینک نمونه‌ای از آن کتاب:

«هر کدام آن صورت طالب استیلا سلطنت خود و اجرای احکام خویش آمده وین طلب منفی بتنازع و تخاصم بین الاعیان الخارجیه شده لامحباب کل منها عن الاسم الظاهر فی غیره پس حکمت متعالیه اقتضای مدیر کل و حاکمی عادل کرده بنابراین مصلحت انسان کامل را بوجود آورد». نسخه خطی این کتاب ۷۰ صفحه را داراست و نزد متولی خان‌آقا صرفی درس‌رینگار موجود است. در لاهور بطبع رسیده است. یعقوب صرفی همراه بابا داود خاکی به دهلی رفته و اکبر کبیر را وادار به تسخیر کشمیر کرده است، یعقوب صرفی بر تفسیر بی‌نقطه فیضی که سواطع الالهام نام دارد مقدمه‌ای نوشته است.

بابا علی رینه برادر شیخ حمزه مذکور تذکره العارفین در ذکر احوال و مآثورات اولیای کشمیر تألیف نموده است. علی رینه راجع به سبب تألیف این تذکره مینویسد:

«چنانچه فقیر حقیقی که برادر حقیقی حضرت مخدوم چه برادر حقیقی بلکه خاکسار جناب و خادم صمیمی آن درگاهم از روی کمال لطف امر کردند که برادر علی رینه امشب صحبتی از انبیا علیهم الصلوات و التحیته و از اولیای کبار علیهم الرحمته مشاهده کن. فقیر بعد تفأخر و مباحث بطور پاسبانی بعد از نماز عشا حائزه بردر نشسته و آهسته باد بندگی و عبودیت نفسی نفسی ... که از قلیل هم کمتر است درین کتاب مسطور ساخت».

نسخه خطی این کتاب دارای ۵۵۰ صفحه است و مشتمل بر دوازده باب که در آن نماز، روزه، عبادت، توبه، استغفار، نوافل، ختم، وحدت، تصوف، کرامات اولیای کشمیر، و احوال خلفای حضرت مخدوم حمزه درج گردیده است.^۴

مولوی محمد جعفر مرید حضرت شیخ مخدوم حمزه بوده و رموز الطالبین را تألیف کرده است. در باب نهم کتاب بحثی راجع به حالت و حرمت موسیقی کرده و با دلایل شرعی موسیقی را مباح با ثبات رسانده است. نسخه خطی شاید در کتابخانه تحقیقی سرینگار موجود باشد. سید میر حیدر که از صوفیان گجرات (پنجاب) بوده در اواخر سده دهم هجری وارد کشمیر شده و در محله تیله موله سکنی گزید. او هدایت‌المخلصین را در ۹۸۲ هـ تألیف کرده و شرح و رود او بکشمیر درین جا ذکر شده. کتاب مزبور تفصیل اعمال و اذکار صوفیانه دارد و علاوه ازین موضوعهای صوفیانه مانند محبت، صلاح، تقوی، تصوف و احوال شیخ مخدوم حمزه را مشروحاً نوشته است.

او مینویسد: بعد از پانزده سالگی شبی در واقعه دیدم که پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم مع چار یار با حفا رضی الله تعالی علیهم اجمعین در مسجد درآمدند و مارا کسی برای طلب فرستادند و پیش خود حاضر ساختند و فرمودند که ای فرزند اول طهارت کن. برخصت آن سرور علیه السلام طهارت کردم و حضرت سرور جامه کشیده بدست عزیزی داد که این جامه این پسر را بیوشان با و بخدمت بگیر که او از اولاد ماست حوالی شما نمودیم تربیت ظاهر و باطن برین نامراد بکن. و آن عزیز آن خلعت در بر من کرد و مارا بکنار گرفت و دست‌های من بیوسید و فرمود که ای فرزند من در کشمیر می‌باشم نام من مخدوم شیخ حمزه است. اینجا بیا که در خدمت من شب و روز حاضر باشی. من ترا بفرزندی قبول کردم.^۵ کتاب دارای پنج باب است در آغاز راجع به زندگی خودش نیز نوشته است - میر حیدر در ۹۹۹ هـ چشم ازین جهان بر بست.

۳ - نسخه خطی دانشگاه تهران (اردو) ش ۴۶۷۲ ص ۳۲

۴ - فارسی ادب کی تاریخ ص ۸۶

۵ - فارسی ادب کی تاریخ ص ۸۹

شیخ احمد جاگلی کامراجی کشمیری مرید شیخ مخدوم حمزه بوده و رساله‌ای در سال ۹۸۲ هـ نوشته که سلطانیه نام دارد. این رساله در نشر ساده نگاشته شده و شامل بر دو فصل است: فصل اول در اشغال و اذکار صوفیه. فصل دوم ولادت و احوال شیخ حمزه. شیخ احمد در آغاز میگوید: اما بعد اضعف عبدالله احقر فقییر الله احمد جاگلی کامراجی میگوید که این رساله سلطانیه مرتب بر دو فصل است.^۶

خواجه میرم بزار نیز مرید شیخ مخدوم حمزه بوده و غالب اوقات در حضور و سفر با مرشد خویش بسر میبرد. او مشاهدات و کرامات حضرت را در تذکرة المرشد شرح داده است. در سبب تألیف این تذکره مینویسد: «این فقیر کلمه چند عبارت صریح از کمیت حالات آنحضرت مندرج در بیاض کرده بعضی مخلصان که نسیا نسیا این کلام باشد معلوم الاحوال شوند». تذکره در ۹۹۷ هـ نگاشته شد. میرم شاعر هم بوده و اشعار عرفانی و صوفیانه سروده است. اینک ایاتی چند ملاحظه فرمائید:

| | |
|-----------------------------------|----------------------------------|
| از زلف تو بر کار دلم صد گره افتاد | دیگر مزن ای شوخ گره زلف دوتا را |
| آئینه انوار تجلیست جمالت | بنمائی که بینیم در آن نور خدا را |
| از نکهت زلف تو صبا یافت نسیمی | منصوب از آن شد دم جان بخش صبارا |

خواجه حسن قاری و خواجه اسحاق قاری دو برادر بودند و در تقوی و علم سرآمد روزگار. آنان مرید شیخ حمزه بوده‌اند. خواجه حسن زاحی الطالین تألیف کرده است که در شرح احوال شیخ حمزه و بزرگان این سلسله میباشد.

خواجه اسحاق قاری برای حج رفت و یکسال ونیم در مکه متیم گردید و همانجا فوت کرد و در گورستان جنت البقیع مدفون گشت. اسحاق تصانیف زیادی دارد، کتابی در احوال و ماثورات شیخ حمزه بنام چله العارفین تألیف کرد چله اصطلاحات صوفیانه که میان صوفیان شبه قاره و کشمیر معروف بوده یعنی ریاضت چهل روزه او در آغاز این کتاب میگوید:

اما بعد فیقول العبد الضعیف والفقیر الخفیف اسحاق کشمیری المعروف والمشهور بالتقاری ساکن محله بلدیمر هذا رساله المسمی به چله العارفین که فرموده . . . حضرت مخدوم حمزه کشمیری مد ظله که فقییر با برادر عینی خود حضرت خواجه حسن قاری و غیره از کمترین مریدان و خاکساران و کمترین حلقه بگوشان بندگان آنجناب سعادت مآب است تصنیف نموده. بطریق اختصار مرتب ساخته بر هفت باب منظم کرد^۷. تفصیل ابواب بقرار ذیل است:

باب اول - در ارادت خود به جناب حضرت العارفین حضرت شیخ حمزه مد ظله.

باب دوم - در سلوک طریقت و ریاضت و عبادت و طاعت.

باب سوم - در طریق چهل چله و آداب آن.

باب چهارم - در تبدیل اخلاق و در خلاف نفس و رنمای حق که عبادت عاشقانه است.

باب پنجم - در اقوال معرفت که احوال و عبادت و طاعت عارفانه است.

باب ششم - در محویات و استغراق رحمانی

باب هفتم - در مقامات و کرامات و مراقبت عالیجناب مرشدی و مخدومی . . . مخدوم

و بعضی از اصحاب با کمال ایشان.

نویسنده تازه تألیفی دیگر از اسحاق کشمیری در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران کتب کرده که تحت شماره ۲۷۸۸ درج گردیده است. این نسخه خطی دارای ۱۴۰ صفحه است. رساله در موضوع نجوم نوشته شده البته اشعاری هم در مدح خواجه ابوالحسن دارد و موسوم به حسینیه شده و یک مقدمه و دو خاتمه و کلام دارد - مؤلف در سبب تألیف میگوید:

وفضالی پیشین کتب مطوله وموجزه تصنیف نموده‌اند و در بذل الجهد و سعی المتدور

کوشش موفور بظهور رسانده‌اند. چون مفاوودات آن گروه فضائل شکوه دریای عمان و لجه بی‌پایان است غوطه خوردن در آن نه متدور هر کس و بر فرا گرفتن جواهر از آن نه هر کس را دست‌رس. فلهدا کمترین مستغان فن‌المرتجی الی رحمة الله العنی محمد اسحاق کشمیری آن خرمن‌گاه آن دوست مغان خوشه چند چیده و ازمانده خوان آن کریمان دانه چند در کچکول طبع خود مجلس کشیده چیزی مختصر مشتمل بر فواید کثیره و قواعد و فیره تألیف و ترتیب نموده^۸. حاجی محمد کشمیری در کشمیر متولد شد. سالی چند در خدمت شیخ محمد باقی نقشبندی دهلوی بسمیرا و علم معرفت از او آموخت و سپس به وطن خود مراجعت کرده و بقیه ایام زندگی را در درس و تدریس گذراند. حاجی محمد تصانیف زیادی دارد. از آن جمله:

شرح شمایل‌النبی - فنمائل‌القرآن - شرح‌المجرد - شرح مشارق‌الانوار، خلاصه کتاب‌الاوضاع فی بیان مذاهب‌الاربعه منتخب شرح اوراد‌الفتحید و مصباح‌الشریعه .
شرح حصن‌حصین از تألیفات مهم او میباشد. کتاب شرح شمایل‌النبی در ۹۹۶ هـ تألیف گردید و در سال ۱۳۴۹ هـ در محراب چاپ رسیده است. ملاعلی قاری نیز شرحی بر آن نوشته است. حاجی محمد کشمیری در آخر کتاب خصوصیات آیات قرآنی را نوشته است و ترجمه در فارسی هم داده است. مثلاً مینویسد:

لااله الا الله، وحده لا شریک له له الملك و له الحمد وهو علی کل شیء قدير .

نیست مستحق عبادت مگر خدای عز و جل در حالتی که یگانه است و نیست انبازی مرورا و مرورا است پادشاهی و مرورا است ثنای جمیل و بر هر مخلوق تواناست^۹. حاجی محمد در ۱۰۰۶ هـ فوت کرد.

بابا داود خاکی (متوفی ۹۹۳ هـ) فرزند شیخ حسن گنائی بود. صرف و نحو، و منطق و حدیث از شیخ احمد مخدوم قاری و میر سید اسمعیل شامی آموخت و سپس در سلسله قادریه دست بیعت داد و مرید شیخ حمزه شد. خاکی عالم و صوفی و شاعر و حتی سیاست‌مدار هم بوده است. او قصیده‌ای سروده بنام «وردالمربدین» و مسائل عرفان و تصوف را در آن شرح داده است. بد نیست متذکر شویم که او در سرودن این قصیده از مأخذی که قرار ذیل است، استفاده کرده است. شرح فی کتاب‌التحوف، تفسیر امام قیصری، مرصاد‌العباد، خلاصه‌الاسلام، اخیاء‌العلوم، العوارف‌العارف، لب‌الالباب، رساله اقبالید شیخ علاء‌الدین سمنانی، رساله القیشریه، دستور - الجمهور (بایزید بسطامی)، نجات‌الانس، شرح لمعات، یوسف زلیخا، خلاصه‌المناقب، شرح رباعیات (جامی)، کشف‌المحجوب، شرح‌الامانی، شمائل‌الانقیاء، رساله شیخ عثمانی مغربی، رساله غوث‌اعظم، کتاب‌الحنائق، فاتحه‌العلوم، رساله حمیدی، نور‌المعانی، رساله محمد بن سیدعلی همدانی، تهفیدات عین‌النضاه همدانی، رساله شیخ نجم‌الدین، لوائح، فوائض‌الکمال (نجم‌الدین‌الکبری)، سلسله‌الذهب، مقامات (بهاء‌الدین نقشبند)، چهل اسرار، منطق‌الطیر، الهی‌نامه، فواید‌السالکین، سحرة‌الابرار، روضه‌الاحباب، التعرف فی علم‌التحوف، زاد‌المسافرین (از امیر حسینی)، پندنامه، اوراد فتحیه، اسرار‌الاولیاء، ذخیره‌الملوک، شواهد‌النبوت، کیمیای سعادت، مثنوی مولوی، شرح‌المشارق، منهاج‌العابدين و جامع‌العلوم.

داود خاکی حسب ایمای مرشد خود شیخ حمزه قصیده مذکور را بنثر فارسی شرح داده که این شرح بنام دستور‌السالکین معروف گردیده است. در آغاز شرح میگوید:

«صفت آنست که چون مرید صورت ایشان بحضور دل تصور کنند بقوه روحانیت حاضر شوند و هر شیخی که این مقدار قوت روحانیت را نداشته باشد در اقتدای او چندان فایده

۶ - فارسی ادب‌کی تاریخ ص ۹۰

۷ - فارسی ادب‌کی تاریخ ص ۹۲

۸ - نسخه خطی دانشگاه تهران ش ۲۷۸۸ ورق ۴

۹ - برای نسخه‌های خطی رك دانشگاه لاهور - بانکی پور ش ۱۴۱۹، اندیا آفس ش ۲۶۲۴، انجمن

آسیائی بنگال ش ۹۹۳

نیست»^{۱۰}. نسخه‌های خطی دستورالساالکین در کتابخانه‌های لاهور و بانک‌پور موجود است^{۱۱}. مغولها تقریباً صد و هفتاد و سه سال (۹۹۴ هـ ۱۱۶۶ هـ) بر کشمیر حکومت کرده‌اند. در این عهد تابناک کشمیر در فرهنگ و هنر و خاصه در شعر فارسی پیشرفت بسزا کرده است البته کتب درتشر فارسی نیز همچنان نوشته شد. جمال‌الدین انجو بحکم اکبر کبیر فرهنگ فارسی مرتب کرده که در سال ۱۰۳۲ هـ با تمام رسید و آنگاه مصنف آنرا به پیشگاه جهانگیر تقدیم کرد و مورد پسند خاطر ملوکانه گردید جهانگیر در توزک خود از این فرهنگ اظهار خوشنودی کرده است. انجو از طرف شاه مغول ملقب به لقب عضدالدوله گشت.

بابا نصیب‌الدین (۹۷۷ هـ ۱۰۲۷ هـ) فرزند میر حسین و خلیفه بابا داود خاکی بوده است. کنیه‌اش ابوالفتر بود. بابا در عهد جهانگیر شهرت یافته. او در مدرسه ملاکمال و ملاجلال کسب علوم کرد و زندگی را در خدمت خلق و تبلیغ اسلام گذرانده است. او ذوق شعری هم داشته است. اما چیزی که نام نصیب را زنده نگاه دارد همان کتاب نورنامه است. در شبه قاره و خاصه در کشمیر صوفی را بنام ریشی هم یاد کرده‌اند و چون نورنامه شامل احوال شیخ نورالدین (متولد ۷۷۰ هـ) ریشی است بعضی‌ها نورنامه را اشتهاها ریشی‌نامه‌کنایی دیگر پنداشته‌اند. نورنامه دو قسمت دارد: قسمت اول که در آن مناقب خلفای اربعه نوشته است و در قسمت دوم شرح احوال و کرامت‌های اولیای کشمیر است. در این قسمت در ضمن احوال آیات قرآن و احادیث نبوی اندراج یافته است. اشعار بزبان کشمیری هم درج گردیده. شرح احوال صوفیانی که در کتاب آمده بقرار ذیل است:

۱ - بابا بام‌الدین ۲ - بابا زین‌الدین ۳ - بابا لطیف‌الدین ۴ - بابا نصیرالدین
 ۵ - بابا رجب‌الدین ۶ - بابا شکرالدین ۷ - بابا نوروز رشی ۸ - ملک سیف‌الدین
 ۹ - میرزا حیدر دوغلت کاشغری ۱۰ - حضرت مخدوم شیخ حمزه .

آغاز قسمت اول - ذکر مناقب خلفای اربعه - ای درویش فضائل و مناقب خلفای آن سرور بسیار است^{۱۲}. قسمت دوم - المعبود الجمیع العباد الخ^{۱۳}. مأخذ کتاب تاریخی گوهر عالم نورنامه بوده است - نورنامه واقعات تاریخی کشمیر کم دارد البته ذکر معجزه‌ها و کرامت‌های صوفیان و رشیان این دیار فراوان است. علاوه ازین که کتاب درباره تصوف و عرفان است راجع به زندگی مردم باستان شبه قاره معلومات پرارزشی دارد. زبان نصیب‌الدین روان و ساده نیست بلکه فارسی ترکی و کشمیری باهم آمیخته شده است. در سبب تألیف نورنامه (یا ریشی‌نامه) چنان مینویسد:

اما بعد میگوید فقیر حقیر نصیب کشمیری خاکروب جمیع عزیزان و بزرگان و فیانان که چون از تربیت باطن حضرت مخدوم شیخ حمزه قدس سره الغریز و لطائف ظاهر و باطن حضرت بابا داود خاکی نورالله مرقد در طریق حقیقت و معرفت ولایت رخصت یافت^{۱۴}. ذکر مفصل نصیب در مقاله تاریخ نویسی فارسی در کشمیر خواهد آمد. نورنامه نسخه‌های خطی زیاد دارد^{۱۵}.

ملا محمد امین گانی شاگرد ملا محمد محسن فانی و ملاحظه‌کننده شال بوده است و در نظم و نثر فارسی کتب و حواشی زیاد دارد، از آن جمله «شرح تهذیب» و «مناظره شیعه و سنی» معروف است. او در سال ۱۱۰۹ هـ درگذشت.

خواجه حبیب‌الله حبی در نوشهره در سال ۹۶۳ هـ چشم بجهان گشود. در شاعری در عهد یوسف شاه و بعد شهرت پیدا کرد، شاگرد ملا محسن فانی بوده است، از شیخ محمد یعقوب صرفی هم استفاده کرده و مرید شیخ محمد خلیفه بود. در فارسی راحت‌القلوب و تنبیه‌القلوب تألیف کرده است. همچنین در سال ۱۰۱۱ هـ کتابی شامل براحوال شیخ یعقوب صرفی تألیف کرد و این کتاب بعنوان مقامات حضرت ایشان مشهور است. او دیوان کلیات نیز دارد - حبی در ۱۰۲۷ هـ فوت کرد.

خواجه محمد پارسا برادر خواجه مسعود پانپوری و مرید بابا شیخ داود خاکی بود. مرشد او را لقب پارسا داد. وی رساله‌ای بنام «تحقیقات» نگاشته که در آن صحبتی از مسائل فقد

واحکام اسلام شده . درباره توحید میگوید :

توحید ذروه علیای احوال است وعروة الوثقی مقاماتست - تاج انبیاست و حله اولیاست و حقایق توحید نه هر رهروی که راه یافت ، بیافت . هر که جواهر تمکین نیافت و به معادن تحقیق نرسید . او نه لطفیست و نه قهری^{۱۶} یقین است که نسخه خطی کتاب مزبور در سرینگار موجود است .

شیخ محمد محسن فانی فرزند شیخ حسن بن شیخ محمود و بزرگترین دانشمند و شاعر و فیلسوف این عهد بود . در بدو تحصیل از شیخ محمد یعقوب صرفی مستفیض گشت - در بلخ به دیار نذر محمد خان والی آن دیار متوسل گردیده و سپس بهند آمده و از طرف شاهجهان در الله آباد سمت ریاست دادگستری را بعهده گرفت و در اینجا مرید شاه محب الله شد . سپس فانی بکشمیر معاودت نمود و مدتی رئیس دادگستری بوده است . او در سال ۱۰۸۲ هـ در کشمیر درگذشت . دیوان کلیات و مثنویات او بچاپ رسیده است . از مهمترین کتابهایی که در کشمیر نوشته شد دبستان مذاهب^{۱۷} باشد که توسط فانی وقتی که او در خانقاه داراشکوه عزلت نشین بوده نوشته شد . چند تن از نادانان معتقدند که دبستان مذاهب مال فانی نیست ولی نویسنده دلائلی معتبر و مستند در رد این عقیده دارد و بنوبت خود باثبات خواهد رساند که دبستان مذاهب بدون هیچ شکی مال فانی است . ملا طاهر غنی و محمد اسلم سالم که شاعرانی ممتاز بوده اند از شاگردان فانی محسوب میشوند .

خواجه معین الدین نقشبندی فرزند خواجه خاوند محمود نقشبندی بود . معین الدین شاگرد ممتاز شیخ عبدالحق محدث دهلوی بود . او کتبی امثال فتاوی نقشبندیه ، کنز السعادة ، رساله رضوانی و مرآة طیبه تألیف کرده است . راجع به مرآة طیبه مینویسد :

« مؤلف این صحیفه عرفان محمود و معنی این مجموعه ایقان مسعود مشهور درای خورشید انجلاهی صبح اتای مهر ضمیر و مکشوف خرد بیضا قبای مشرق طالعان آفتاب تنویر میگرداند که این خوشه چین خرمن سخندانی و ریزه گزین خوان سواد خوانی کشت سوخته برق عصیان و تخم ریخته دشت خندان سرگشته تبه نادانی دور مانده بادیه حیرانی گوشه نشین خانقاه پریشانی و زاویه گزین صومعه سرگرانی خاکسار آستان درگاه یقین ابوضیا محمد معین الدین سربلند و سرافراز بفرزندی مقبل حضرت واجب الوجود و خدمت خواجه خاوند محمود العطاری نقشبندی العلوی الحسنی سقی الله مضجعه^{۱۸} . معین در ۱۰۸۵ هـ در کشمیر فوت کرد .

نویسنده کتابی بنام نور ساطع تازه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران کشف کرده است که نسخه خطی آن تحت شماره ۱۵۰۰ درج است . کتاب شرحیست بزبان فارسی که مولی محمد مراد کشمیری تألیف نموده و خود بخط او موجود است . تا آنجائی که ما اطلاع داریم خطاطی بنام ملا مراد در عهد جهانگیر (۱۰۳۷ - ۱۰۶۸ هـ) میزیسته است البته این ملا مراد برای حسن خط ممتاز و معروف گشته است و مرد عالمی نبوده تا بتواند کتابی مثل

۱۰ - پایان نامه خانم دکتر ممتاز بیگم ج ۲ ، ص ۱۰۷

۱۱ - رك بانکی پور ج ۲ ، ص ۷۱

۱۲ - ایدنبرگ ص ۲۰۰

۱۳ - ایدنبرگ ص ۲۰۰

۱۴ - فارسی ادب کی تاریخ ص ۱۰۹ .

۱۵ - برای نسخه های خطی رك : ایدنبرگ ش ۲۴۵ ، ایوانوش ۲۶۰ ، بانکی پور ص ۱۵۴ ، دانشگاه

لاهور ش ۳۲۵۹۲۳۸ ، کتابخانه عمومی لاهور ش ۲۹۷

۱۶ - فارسی ادب کی تاریخ ص ۱۱۵

۱۷ - برای نسخه های خطی رك : کتابخانه عمومی لاهور ش ۲۹۰ ، آند ش ۲۵۴۲ ، براؤن ص ۱۲۰

۱۸ - دلدین ش ۱۷۹۱ ، برلین ص ۲۷۱ ، دانشگاه تهران ش ۴۳۸۹

۱۸ - فارسی ادب کی تاریخ ص ۱۵۶

نورساطع بنویسد . ما در ادبیات فارسی کشمیر يك ملامراد رفیقى را می‌شناسیم که در دوره عالم گیر (۱۰۶۸ هـ ۱۱۱۹ هـ) بوده است . این محمد مراد نوه شیخ احمد زاهد که عالم ممتاز عصر خود بوده است و مورخان نوشته‌اند که در حدیث و علم فقه نظیری نداشت . او رساله‌ای نوشته که در دست نیست. اسم این رساله را انتباه فی ذکر اولیاء الله گذاشته است . نسخه خطی مورد بحث نور ساطع ۱۶۸ ورق دارد و مزین به آیات و حدیث است - اصل کتاب در عربی بوده که بدایت‌الهدایته باشد و ملا محمد مراد این را بفارسی شرح کرده و حاشیه نوشته است - مصنف از اهل تشیع (دوازده امامیه) بوده است - کتاب در فقه اهل تشیع تحریر گشته و شامل بر چند فصل است .

آغاز

ابتدا می‌کنم بنام خدای رحمت‌کننده در دنیا مؤمنان و کافران را و در آخرت مؤمنان را و پس جمیع حمدها مخصوص خداست که تربیت‌کننده عالمهاست و درود و رحمت باد بر محمد و آل محمد که پاکند از گناهان و عیبهای ظاهری و باطنی - بدانکه چنین گوید فقیر قلیل البضاغته و کثیر التقصیر مراد کشمیری - این شرحیست بر بدایت‌الهدایته بنابر التماس جمعی از مؤمنین و طالبان راه یقین که اطاعت و اجابت ایشان از جمله واجبات است^{۱۹} سپس درباره لزوم و ایمان و اقرار به خدا و رسول و جنت و دوزخ و دوازده امام صفحاتی چند تحریر نموده است . در خاتمه عبارت عربی که از اصل مصنف باشد چنین است . یقول محمد بن الحسن بن علی بن محمد الحرقذ ذکر ت فی هذا الرساله المنصوصات من الواجبات والمحرمات . . . من اراد الاطلاع علی ادلتها فلیرجع الی کتابنا الکبیر المذکور فی اولها . . . تمت الرسالته الموسومته بدایت‌الهدایته فی اوائل ذی قعدة ۱۰۹۱ هـ . از عبارت فوق معلوم میدارد که اصل کتاب در ۱۰۹۱ هـ تحریر و تألیف شده و هفت سال بعد ملا محمد مراد بر آن شرحی نوشته بعد از عبارتی که نقل کردیم چنین است .

« مترجم مینویسد تمام شد این ترجمه در ماه مبارک رجب سنه هزار و نود و هشت التماس دارم از مؤمنین و مؤمنات که نگاه کنند درین ترجمه اینکه اگر غلطی یا تفاوتی در ترجمه شده باشد قلم غفو بر آن کشیده و در اوقات صلوات و زیارت و دعوات فقیر را یاد کنند و بسبب تقصیر این فقیر درین اوقات فراموش نکنند» .

حرره محمد الشهبیر به مراد الکشمیری - بیده الفاینه - شوال ۱۰۹۸ هـ
امضاء عبدالله المشهور به زاهد

بعید نیست اگر بفهمیم که این زاهد همان پدر بزرگ مصنف باشد و هنگامی که ملا مراد این رساله را تألیف کرد او زنده بوده باشد . رساله‌ای دیگر که من در کتابخانه مزبور کشف کرده‌ام توسط محمد شریف کشمیری نوشته شده و « در رد شبه ابن کمونه » نام دارد . این رساله سه صفحه دارد و تحت شماره ۱۷۱۴ درج گردیده است .

شیخ علی یانپوری عالم بی نظیر و صوفی پاک‌ضمیر بوده است از یکی از تصانیف او سراغ داریم که درجات السادات باشد اما متأسفانه اطلاعاتی کامل مربوط باین کتاب نداریم . بابا داود مشکوتی (متوفی ۱۰۹۷ هـ) در عهد عالم‌گیری مقام بسیار ارفع را جایز بوده است . او اسرار الابرار را در بیان احوال و مکاشفات مرشد نگاشت که خودش میگوید . اما بعد میگوید بنده حقیر فقیر . بجناب علیم و قدیر و راجی بحضرت علیم و خبیر داود مشکوتی بن مسعود . . . کشمیری از کمترین مریدان و کهنترین پابوس رسیدگان حضرت وحید العصر فرید الدهر کلیم العلوم مسیح النفس شیخ الشیوخ شیخ نصر الدین ابوالفقرا نصیب مسکین قدس الله تعالی سره العزیز که چون امواج روایات مرغوب اولیا و محبوب اتقیا و رموز

ایشان که مقصود عارفان و بهبود سالکان بود ولی برافواه عوام و ثوق نیافته است و رسوخ نه پیوسته است . . . از آنجمله از السنه مثل شیخ نصیرالدین ابوالفقرا نصیب مسکین و استادنا و استادالعلما مولانا خواجه حیدر ابوطیب و شیخ مجنون ابومحمد و شیخ علی محمد نیازی و مولانا شیخ علی پانپوری و غیرهم من الراسخین که این فقیر عمری در صحبت ایشان بسر برده است - بالشماس بعضی احباب . . . نوشته آمد.^{۲۰}

شاه صدیق القادری در اوصاف شیخ عبدالقادر جیلانی مناقب غوثیه در فارسی تألیف کرد . در سب این تألیف میگوید .

میگوید بنده ضعیف بی مقدار شرمسار امیدوار بدرگاه حضرت غفار القوی فتیر ولی ملوک شاه الصدیق القادری یکی از بندگان درگاه و کمینه خاکروبان بارگاه حضرت غوث ربانی شیخ عبدالقادر جیلانی^{۲۱} - خواجه ابوالفتح کشمیری شخص بسیار فاضل بوده است و مخصوصاً در علم کلام تسلط کاملی میداشت - او از شاگردان حیدر چرخ بود . کتابی دارد بنام سیف السابین که در فارسی بسیار روان عقاید شیعه را رد کرده است . چون موضوع نشان دادن و معرفی کتاب فارسی است که در کشمیر تألیف گردید و الا ما با فرقه های اسلام هیچ تعصبی نداریم - خواجه در سال ۱۱۰۰ ه فوت کرد .

محمد مراد ابن محمد طاهر المفتی در سال ۱۱۲۵ ه تحفته الفقرا والاولیاء تصنیف کرد که در آن احوال صوفیان عهد خویش را نوشته است . میگوید کلمه چند در اجمال اولیاء عامه یعنی مشایخ و درویشان و زهاد و صالحای عصر خود که همه آنها در حیات میسر شده بقلم آورده شود . چه از وطن که بلده کشمیر است و چه از هندوستان که مسکن مرشد فقیر است . این رساله از نام نامی ایشان زیبا نمود^{۲۲} ملام محمود طیا کشمیری شجره الاثمار فی ذکر الاخبار در دو مجلد تألیف نموده است . چنانکه از نام کتاب برمیآید موضوع آن تصوف است . متأسفانه هرچه سعی کردیم نتوانستیم راجع به مؤلف اطلاعات کافی بدست آوریم از لحاظ موضوع این کتاب را در سده دوازدهم هجری ذکر کردیم چون بسیاری از کتب تصوف در همین عهد تألیف گشت^{۲۳} . شیخ محمد چشتی رادهو از خانواده اشائی بود . علوم مروجه از حیدر چرخ آموخت و دست بیعت شیخ علی محمد چشتی را داده بود . تقریباً صد هزار بیت در مسائل تصوف ساخته است . از کتبی که در نظم تألیف کرده عددها اللقا ، سراج السالکین ، گنج فقر و کنز العشق میباشد کتابی در نثر فارسی نوشته که اسمش «واردات» است . راجع به موضوع واردات مینویسد . مشتمل بر کشف دقائق و رموز عروج نبوی و متممات ابراز دقائق شهود قرب مصطفوی . . .

الخ^{۲۴}

در عهد عالمگیر پادشاه ملاصفی الدین اردبیلی از ایران به هند آمد و سپس در کشمیر سکنی گردید . او بحکم پادشاه نامبرده تفسیر کبیرا بفارسی برگرداند و نامش زیب التفسیر نهاد .

شیخ عبدالوهاب نوری (متوفی ۱۱۸۶ ه) از اخلاف شیخ محمد یعقوب صرفی بوده است . وی رساله فتحات الکبرویه را تألیف کرد که شامل احوال بزرگان سلسله کبرویه میباشد . مؤلف در دیباچه رساله چنین مینویسد : اما بعد ساکن زاویه التهاب طالب گوهر نایاب گرفتار سلسله شیخ ابوالجناب حیران بوادی دوری و مهجوری متلای درد فراق معنوی و صوری

۱۹- نسخه خطی دانشگاه تهران ش ۱۵۰۰ ص ۱

۲۰- فارسی ادب کی تاریخ ص ۱۵۹

۲۱- فارسی ادب کی تاریخ ص ۱۶۹

۲۲- فارسی ادب کی تاریخ ص ۱۷۲

۲۳- نسخه خطی درموزه لاهور موجود است

۲۴- فارسی ادب کی تاریخ ص ۱۷۳

عبدالوهاب ابن رشیدالدین المتخلص به نوری معروض اصحاب صدق و صفا و ارباب محبت و ولا می‌دارد چون این ذره بی‌مقدار از مغز سن باستیضای انوار فیوض خورشید سپهر مخدومی و خداوندی و سیدی و مولائی شیخ اکمل‌الدین محمد کامل بدخشی که جانشین سلسله حضرات علیه‌عالیه کبرویه و همدانیه مذهبیه است بعون الهی متعال شانه مجموعه در ذکر حضرات که تا حال منضبط نشد بقلم آورد^{۴۵} مصنف علاوه از کتب تصوف که خارج از کشمیر نوشته شد از مقامات میر محمد خلیفه و نورنامه و اسرارالابرار استفاده کرده است. مقدمه‌ای مشروح دارد و شامل بر چند فصل است. خواجه محمد اعظم کول‌المتخلص به مستغنی مصنف واقعات کشمیر کتبی چند علاوه از تاریخ مذکور نگاشته است امثال فوایدالرضا (۱۱۳۵ هـ) قواعدالمشایخ (۱۱۳۶ هـ) الشجارالخلد (۱۱۴۰ هـ) ثمراتالاشجار (۱۱۴۰ هـ) رسایل‌الاعظم (۱۱۴۹ هـ) اما چون از کتب مذکوره در دست نویسنده نیست نمی‌تواند بگوید که چها در فارسی و چها در عربی و یا کدام یک از آنها در نثر و کدام دیگر در نظم است.

ملا نور محمد کشمیری متوفی (۱۱۹۵ هـ) بنام نوربابا معروف بوده و شاگرد ملاعبدالله الستار کشمیری می‌باشد بعد از تحصیلات از دهلی بکشمیر مراجعت کرد و طلاب را درس میداد بر کتاب مطّول و خیالی حواشی نوشته است و نیز کتابی تألیف کرد موسوم به کلید خواجه حافظ و فرهنگ دیوان حافظ.

آغاز کتاب چنین است. حمد و ثنای مرحضرت‌الهی خالقی را که اولین قسمت بنام کلید خواجه حافظ معروف است دومین قسمت از لحاظ الفبای تربیت داده شده است^{۴۶}.
افغانان از ۱۱۶۶ هـ تا ۱۲۳۴ هـ ق حاکم کشمیر بوده‌اند. در این دوره ما آثار منظوم و منثور فارسی خیلی کم داریم رویهمرفته هر چه هست معرفی خواهد گردید.

ملاعطاءالله خانقاهی در سال ۱۱۷۸ هـ ق در علم هندسه رساله‌ای نوشته است که خزینة‌الاعداد است نسخه خطی در کتابخانه تحقیقی سرینگر موجود است. مؤلف در دیباچه مینویسد:

اما بعد مؤلف این رساله و بدون این مقاله المحتاج الی عطاءالله فقیر حقیر کثیر التفسیر ملاعطاءالله خانقاهی چنین گوید که در (۱۱۷۸ هـ) هزارویکصد و هفتاد و هشت هجری جمعی از دوستان سعادت‌مند و فرقه [ای] از تلامذه ارشد ارجمند که بحیله آداب علوم آراسته بر غبته صادق و عزیزمتی و ائق باین سراسر گرد سیاه بسرگردانی و پریشانی و بادیه پیمائی بادیه هیچمدانی و نادانی بدینگونه اختراع و التجا آورد^{۴۷}.

از اولاد امان‌الله، مفتی قوام‌الدین فقیه و محدث بوده است او سمت شیخ‌الاسلامی را هم بعهد داشته است و در فارسی صحائف سلطانی تصنیف کرد. در سال ۱۲۱۹ هـ در گذشته است. شیخ محمد چشتی کشمیری که صوفی بود بهجت‌الاسرار شیخ عبدالقادر جیلانی را بفارسی ترجمه کرده است. وی این ترجمه را در عهد بلندخان بامزی ناظم کشمیر (۱۲۷۶-۱۲۷۸ هـ) بانمام رسانید - در دیباچه مینویسد.

در سنه هزارویکصد و هفتاد و شش هجری خطه کشمیر بورود . . . مسعود گلشن‌آباد ساخته‌اند و خاکسار را بعنایت بسیار نواخته فرمودند که رساله زبده‌الاسرار و منتخب‌الاسرار را ترجمه بعبارت روزمره فارسی باید نوشت تا کافه مردم از استماع کلمات طیبیه اولیاء و مناقب امثال عرفا قطب خاققین و غوث ثقلین بهره‌مند شوند^{۴۸}. شیخ محمد رفیقی از اخلاف خواجه طاهر بود و از خواجه رفیق کسب فیوض کرده است. رساله بنام تحفة‌الاحباب فی‌النصح لمغروین بالانساب مرتب کرده که متضمن پند و اندرز حکیمانه است درباره تألیف تحفته‌الاحباب میگوید:

این فقیر حقیر تراب اقدام سادات حقانی و حاکمای اولیای ربانی . . . الحافظ محمد یحیی بن‌الشیخ الحافظ محمد حبیب‌الله الرفیقی السهروردی النقشبندی القاری . . . خواست که زبان اندرز و نصیحت تقریراً و نماید و دست پند و موعظت به دلایل قرآنیه واحادیث

نورانبه تحریر می‌گشاید^{۴۹} شیخ محمد رفیقی در سال ۱۱۸۵ هـ رهسپار عالم باقی گردید .
 شیخ شرف‌الدین محمد زهگیر فرزند خواجه محمدابراهیم کشمیری بود و مرید
 خواجه عبدالرحیم شیخ کمان . او مشاهدات و کرامات مرشد را در کتاب روضةالسلام درج
 نموده است کتاب را بر تشویق ملامحمد جمال و ملامحمد عاصم که برادران طریقت او بوده‌اند
 تألیف کرده است دیباچه چنین است .

قبل ازین در رساله حجت‌الشرف اجمالاً^{۵۰} تحریر یافته بود اما به سبب تحریک و تحریص
 پیر برادران فضایل نشان ملامحمد جمال و ملا محمد عاصم خواست که بطریق تفصیلی هم برای
 بهتر شدن و دانشمندان طریق اذکار و افکار و نسبت ولایات و حقائق و معارف ترقیم نماید
 تا در میان طالبان و سالکان طریق حالی یادگار بماند زهگیر در سال ۱۲۰۵ هـ انتقال یافت .
 ملاحسینی کشمیری مردی بود بسیار دانشمند و استاد در علوم . او در زمین شناسی و
 جغرافیا عجایب‌البلدان در ۱۲۱۸ هـ تألیف کرده است . این مهم‌ترین کتب عهد افغانیان
 محسوب میشود . در موجب تألیف آن مینویسد .

درین ایام خجسته فرجام مختصری مشتمل بر مساحت سطوح اجسام و مقادیر العام و
 اجرام و تحقیق مبادی اقالیم و نهایات آن و تلین مواضع و اعجوبات هر یک از آن در قید تقریر
 و سلك تحریر مرتبط و منخرط ساخت^{۴۰} این رساله به خواجه حبیب‌الله منسوب گردیده است .
 ملاحیدر پشلو در تفسیر قرآن و تجوید ماهر و استاد بوده - ملاجمال‌الدین پدرش نیز
 عالم انگشت‌شمار آن دوره بوده است ، ملاحیدر نورالسراج ، سراجی ، (در علم میراث) مفتاح
 الرحمته ، محباح‌الظلمته ، رسم خط قرآن ، دریتیم ، غرایب‌الغرایب ، (در مسایل فقه) منابع
 (در تصوف) خیرالحسفات (در تجوید) و شرح چهل و چهار حدیث نوشته است . سیکها در
 ۱۳۳۴ هـ کشمیر را اشغال کرده و تا ۱۲۶۲ هـ عنان اقتدار کشمیر در دست داشته‌اند .

در عهد سیکها ملا حمیدالله شاه‌آبادی^{۴۱} (متوفی ۱۲۶۴ هـ) که بزرگترین مثنوی‌سرایان
 کشمیر بوده و دستور العمل تألیف کرد وی کتاب فوق‌الذکر را به سبک گلستان سعدی نگاشته
 است و نثر و شعر و آیات و احادیث بنحو خوبی آمیخته است . سال تألیف را در این شعر گفته
 است .

سال تاریخش چو پرسد هوشیار گو هزار و دوصدو چهل و چهار
 (۱۲۴۴ هـ)

«هر که ترك منصب کرد بعیش فراغ نشست و آنکه این کباب تر خورد رنج و سیخ
 داغ ببیند .

عیش و عشرت اگر امل داری مکن از سرسری عمل داری
 هر که زین غل‌گلوئی خود را بست زان پس از مرگ گمم نخواهد دست

بی‌بوج‌نامه طنزیست بر سیستم حکومت سیکها و بی‌نظمی و وحشت‌گری کشمیر - اینک
 قطعه‌ای ازین کتاب : درین ایام حسرت فرجام از چرخ ستمگر و سفله‌پرور در خطه کشمیر جنت
 نظیر از تصرف خانخانان ستموارکان و نواب عادل خان بنز رفته و بر ملازمان راجاراجگان
 سلطان شهر ناپرسان تاراج سنگه مسلم گردید و حریرین سنگه در رعیت‌پروری و عدالت‌گستری

۲۵ - فارسی ادب‌کی تاریخ ص ۱۷۴

۲۶ - اندیا آفس ش ۱۲۷۳

۲۷ - فارسی ادب‌کی تاریخ ص ۲۱۵

۲۸ - فارسی ادب‌کی تاریخ ص ۲۱۹

۲۹ - فارسی ادب‌کی تاریخ ص ۲۲۴

۳۰ - فارسی ادب‌کی تاریخ ص ۲۲۷

۳۱ - رك به مقاله نگارنده تحت عنوان فردوسی کشمیر مجله آریانا کابل شماره ۲۸۶ ، ماه حوت ۱۳۴۸

از بندگان عالی نامی بود و از همه گرامی بخدمت صوبه داری مشرف گشته از بسکه شفقت رعایا و برابری مذکور خاطر عدالت ذخار بود هنگام وداعش مواعیظ کافی دادند و اندرزهای وافی نموده فرمود که عدل و داد به تهجی باید کرد که متوطنان خطه را از حکایت و شکایت خاموش کنند^{۳۲} نسخه خطی کتاب مذکور در سرینگار موجود است .

شیخ طیب رفیقی کشمیری درویش بود صاحب کشف - پدرش شیخ احمد رفیقی مرد فاضل و صوفی پرهیزگاری بوده است - طیب رفیقی احوال اسلاف خویش را جمع آوری کرده و آنگاه به سلك تحریر در آورد - اسم این کتاب رفقا الفقرا است . مصنف در سال ۱۲۲۶ ه فوت کرد .

یکی از خطاطان معروف این دوره مرادیگک بوده است که رساله‌ای درباره خط مثلث و نسخ نوشته است چنانکه خودش میگوید . اما بعد چنین گوید مؤلف این ترتیب و مرتب این تألیف الملتجی بعنايت الملك الاحدالمعبود مرادیگک بن عارف بیگک بن موسی بیگک که اصل و نسب ایشان از بخارا است بنابراین اشاره دوستان خصوصی مولانا و مشفقنا مولوی حاجی محمد عرفدار غفرله که بسی فاضل عالم و سالك کامل بود و فیض ایشان جاری بود اشاره ایشان بر بنده فرض عین شده که بزبان در بیان فرمودند که تصنیف رساله خط و نسخ از ضروریات است^{۳۳} مصنف نمونه‌های حروف و اندازه‌اش طبق قواعد خطاطی درین کتاب داده است . نسخه خطی آن در سرینگار موجود باشد .

میرسید سعید اندرابی (متوفی ۱۲۸۰ ه) تفسیر قرآن مجید بفارسی نوشته است که شاید آنرا دست برد روزگار بدست طالبان علم و آثار نگذاشته است .

شیخ احمد تارابی فرزند محمد نعیم اعظم علمای عصر خویش بوده و مردم باوی عقیدت فراوانی می‌داشتند و حتی غلام محی‌الدین ناظم کشمیر (متوفی ۱۲۶۲ ه) باو ارادت کامل می‌داشتند است احمد تارابی افضل‌الطریق را تألیف کرد که شامل احوال بابا اشرف میباشد - مصنف این را در عبارت مقفی و مسجع نگاشته است اینک قطعه‌ای از دیباچه‌اش . بدنی ، مالی و جانی تابع علم و علمای اهل سنت و جماعت اند کثر هم الله . . . هر یکی را روشی هست معهود و طریقست محمود^{۳۴} او در ۱۲۷۸ ه زندگی را بدرود گفت .

میرسید حسین قادری در سال ۱۲۸۰ ه کتابی نوشته که در آن احوال شیخ عبدالقادر جیلانی و اولاد و مریدان او به تحریر آمده است . مصنف در مقدمه میگوید .

چون از مدت مدید و عهد بعید مظهر نظر داشت که تذکره حضرات قادریه را در معرض املا آرد و تألیف سازد . . .

درین کتاب تیمناً و تبرکاً بطریق ایجاز و اختصار در سنه یک هزار و دوصد و هشتاد آورده شد^{۳۵} .

عهد دوگره‌ها از ۱۲۶۳ آغاز و تا ۱۳۶۵ ادامه داشته است . زبان انگلیسی در این دوره در کشمیر اثر و نفوذ پیدا کرد باز هم فارسی بکلی از عظمت و وسعت خود نکاست . در همین دور صدساله دوگره‌ها بود که پیشرفت فارسی در کشمیر بازماند - نویسنده را عقیده بر اینست که اگر سیکها و دوگره‌ها بر کشمیر قدرت نمی‌یافتند امروزه فارسی زبان رسمی کشمیر میبود . پاندهت‌سترام بقاچندی در دفتر محی‌الدین و کرپارام دبیرامور خارجه بوده است . او دستورالعمل در ثر مقفی به سبک سه‌نثر ظهوری نوشته که امروز در دست نیست .

خواجه عبدالرحمن از معتقدان خواجه امیرالدین پکلی‌وال بوده است . او خطاط هم بود . در سلسله نقشبندیه رساله‌ای بنام تحفته نقشبندیه نوشت - او یک سال بعد از تألیف کتاب در ۱۲۸۶ ه فوت کرد .

طوطارام بت مهاگوبیت را در فارسی ترجمه کرد که نسخه خطی‌اش در سرینگار موجود است . ترجمه‌اش در عهد راجا رنبیر سنگه والی جامو به رشته تحریر درآمد . مصنف خود

مینویسد : اتمام پوران شری مهابهگویت در هنگام فرخنده فرجام ایالت صوبه دارای راجا صاحب راجا رنبیر سنگه جی دام اقباله والی جامو خاص در وقت سعید انتظام گرفت . از دست طوطارام بت^{۳۳} . همچنین پاندت تیکارام بهگویت گیتارا بفارسی ترجمه کرده است که اکنون در دست نیست .

احمد سعید تارابلی در مائورات و تعلیمات سلسله قادریه رساله قادریه تألیف کرد که در ۱۲۹۵ هـ تکمیل یافته است . در سبب تألیف این رساله تارابلی میگوید : خواستم که از تعلیمات‌ها و مضامین مراقبات و مشاهدات آن اختصاراً و ایجازاً لفظ بالمعنی و از نتایج و ثمرات آن که موجب حوصله و استعداد و فراخورد ظرف خود که مطابق بواقع است و فسون و افسانه گوئی و نتایج تراشی نیست فهمید و بعنایت و سایه گستری بزرگان در خود وجداً و کشفاً و عیناً دریافتم و مشاهده نمودم بغیر تطویل و ترخیم حفظاً فی نفس لا افتخار بین خلقه بقلم آرم^{۳۷} .

ابومحمد خواجه حسن شعری کشمیری (متوفی ۱۲۹۸ هـ) که شاعر قادر الکلام این عهد بوده بنا بر نوشته دکتر صوفی مؤلف کتاب کشمیر کتاب گلزار خلیل را تألیف کرده است که تذکره شاعران کشمیر باشد اساس این تذکره تصانیف باباداد و مشکواتی و محمد امین و قاضی عبدالکریم است .

پاندت هری رام کول «مهابهارتا» را بفارسی ترجمه کرده است مینویسد :

«بلسان فارسی که پارسی دانند بعبارت صاف و معنی درست ترجمه نمایند که تافارسی خوانان به سهل‌ترین وجه بخوانند هم ترا سعادت دارین حاصل شود^{۳۸} شاید نسخه‌ای از این ترجمه درس‌رینگار موجود باشد . پاندت رام‌جو در رساله‌ای بنام کیفیت انتظام ملک کشمیر تألیف کرده که متضمن بر احوالی مابین ۱۱۸۰ هـ - ۱۳۰۰ هـ میباشد - راجع به موضوع کتاب مینویسد .

برضمیر صاحبان عقل و فراست مخفی نماند که مجموعه‌ها هذا مجمل و مختصر مشحون از کلی مطلوب یعنی حقیقت انتظامیه کشمیر از ابتدای عمل افغانه الی حال تصنیف نموده بر سه باب و هرباب بردو فصل ختم نمود^{۳۹} اهل مصنف درباب اول احوال حکم روایان افغان ، در باب دوم احوال سیکها و درباب سوم احوال دوگروه‌ها نوشته است - چنانچه در عبارت مصنف بدان اشاره شده کیفیت انتظام ملک کشمیر در سال ۱۳۰۰ هـ تألیف گردیده است .

۳۲ - فارسی ادب کی تاریخ ص ۲۴۹

۳۳ - فارسی ادب کی تاریخ ص ۲۵۵

۳۴ - فارسی ادب کی تاریخ ص ۱۵۷

۳۵ - فارسی ادب کی تاریخ ص ۲۵۹

۳۶ - فارسی ادب کی تاریخ ص ۲۷۴

۳۷ - فارسی ادب کی تاریخ ص ۲۸۲

۳۸ - فارسی ادب کی تاریخ ص ۲۸۴

۳۹ - فارسی ادب کی تاریخ ص ۲۹۸ .